

عین الدوله؛ طرفدار سیاست استبدادی در ایران

۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ ساعت ۱۶:۴۱

بعد از فتح تهران، برخی از مخالفان مشروطه، از ترس جان خود دست به اقداماتی چون وادار کردن محمدعلی شاه به حمایت از مشروطه زدند تا شاید از این طریق بتوانند جان سالم به در برند؛ اما عین الدوله با تسلیم کردن خود به برخی از مشروطه‌طلبان مانند سردار اسعد بختیاری و محمدولی خان تنکابنی، به آنها اجازه مجازات خود را داد. اما بختیاری و تنکابنی از او گذشتند و با ملامت او را رها کردند...

عین الدوله صدراعظم و حاکم معروف تهران، یکی از بازیگران سیاسی در دوره مظفرالدین شاه است که بیشتر به دلیل اقدامات و نقش خود در دوران حساس تاریخ قاجار، یعنی روزهای منتهی به انقلاب مشروطه، شناخته شده است. وی با پیشینه‌ای سیاسی و جانبداری از حکومت استبدادی قاجار، تلاش زیادی جهت شکست جنبش مشروطه‌خواهان نمود؛ اما در نهایت نتوانست کاری از پیش ببرد. عین الدوله بعد از برکناری از سمت خود، مسیر استبدادی خود را در سیاست پیش گرفت و دست به فعالیت‌هایی در این عرصه زد؛ اما باز هم نتوانست به اهداف خود برسد. با این مقدمه در ادامه این نوشته به شرح مختصری از زندگی سیاسی وی پرداخته می‌شود.

شرح مختصری از زندگی عین الدوله

عبدالمجید عین الدوله در سال ۱۲۲۴ شمسی در تهران متولد شد. وی یکی از نوه‌های فتحعلیشاه بود. عین الدوله در سن یادگیری و آموزش به مدرسه دارالفنون فرستاده شد، اما به دلیل ضعف و عملکرد نامناسب تحصیلی اخراج و از تحصیل بازماند. در این شرایط ناصرالدین شاه او را به تبریز و نزد ولیعهد، مظفرالدین شاه می‌فرستد. عین الدوله در تبریز توانست فن کتابت را بیاموزد و در آنجا با دختر ولیعهد ازدواج و به خدمت او درآید و ملقب به عین الدوله گردد.

آغاز فعالیت‌های سیاسی عین الدوله

اولین فعالیت سیاسی عین الدوله را می‌توان در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه دانست که طی آن وی به عنوان حاکم تهران انتخاب شد. انتصاب وی به عنوان حاکم تهران، حدود سه سال پیش از پیروزی انقلاب مشروطه و در واقع در اوج فعالیت مشروطه‌خواهان صورت گرفت. عین الدوله بعد از مدتی به مقام صدارت رسید. از مهمترین اتفاقاتی که در زمان صدارت عین الدوله اتفاق افتاد می‌توان به اخراج مسیو نوز بلژیکی اشاره کرد. این حادثه که از اهانت به روحانیون آغاز شد؛ به باور برخی از اندیشمندان کلید حرکت نهضت مشروطه می‌باشد. نوز فردی بلژیکی بود که برای اصلاح گمرک ایران آمده بود. وی برای آنکه پول بیشتری از

بازرگانان ایرانی به دست آورد، به بهانه‌های گوناگون از آنان عوارض می‌گرفت و با استفاده از مقام خود چنان بر اوضاع مسلط شده بود که به دستور کسی توجه نداشت و عامل اجرای مقاصد روس‌ها بود و چون جنبه روحانیت نهضت مشروطه غلبه داشت و روسها مخالف آن بودند، **نوز بلژیکی** را لباس روحانیت پوشاندند و از او در حال مسخره‌ای عکس گرفتند.^۱

این موضوع موجب نارضایتی مردم و روحانیون را به دنبال داشت و خشم عمومی آنان را برانگیخت. در نهایت اعتراضات مردم باعث استعفای نوز بلژیکی گردید؛ اما علاالدوله حاکم تهران که از این موضوع ناراضی بود، به بهانه گران شدن قند عده‌ای از تجار را به چوب بست. این ماجرا در نهایت باعث تحصن مردم و علما به حرم شاه عبدالعظیم تحت عنوان مهاجرت صغری شد. در آن دوره مردم شرط پایان **تحصن** خود را تأسیس عدالتخانه و برکناری علاالدوله حاکم تهران، مطرح نمودند. این درخواست‌ها به گوش مظفردین شاه که در سفر به عثمانی به سر می‌برد رسید و مورد موافقت او قرار گرفت. اما عین‌الدوله، از اجرای این درخواست مهم طفره رفته و آن را به تأخیر انداخت. عین‌الدوله از نظر سیاسی، طرفدار حکومت استبدادی قاجار بود. از این رو بعد از آنکه به صدارت رسید، به خواسته‌های مردم اهمیتی نداد. در این شرایط آیت‌الله طباطبایی در شبنامه‌ای خطاب به عین‌الدوله به سیاست او اعتراض کرد؛ اما پاسخ عین‌الدوله «سختگیری بیشتر نسبت به انقلابیون و دستگیری و تبعید عده‌ای از وعاظ و مخالفین بود.»^۲ چنانچه، سیدجمال‌الدین واعظ و دو نفر از رجال تبعید شدند.

درواقع عین‌الدوله که بعد از امین‌السلطان روی کار آمده بود، با کسانی چون آیت‌الله بهبهانی که آنها را طرفدار امین‌السلطان می‌دانست از در دشمنی و مخالفت برآمده بود. با این حال امتناع از تأسیس عدالتخانه، به درگیری بین حکومت و مردم و کشته شدن یکی از طلاب انجامید. در پی این رویداد، جمعیت زیادی در کنار بهبهانی، طباطبایی و شیخ فضل‌الله نوری در مسجد شاه تحصن کردند و خواسته خود را برای تأسیس عدالتخانه با جدیت بیشتر پیگیری کردند.^۳ اما با نتیجه نگرفتن از تحصن و کشته شدن یکی از طلاب، جریان **مهاجرت کبری** شکل می‌گیرد. در جریان این تحصن، زمانی که تقاضاهای متحصنین خواسته شد آنها پنج مورد را اعلام داشتند که عزل عین‌الدوله در رأس آنها بود؛ اما برکناری عین‌الدوله ساده نبود و او سرسختانه مقاومت می‌کرد و استعفا نمی‌داد.^۴ به هر حال، تلاش علما و مردم به بار نشست و علاوه بر کنار رفتن عین‌الدوله و انتخاب مشیرالدوله به صدراعظمی، شاه در ۱۴ جمادی الثانیة ۱۳۲۴، فرمان مشروطه را صادر کرد و در بیست و چهارم همان ماه نیز علما با دست یافتن به پیروزی در کمال احترام به تهران بازگشتند.^۵

فعالیت‌های عین‌الدوله بعد از برکناری

عین‌الدوله بعد از برکناری از مقام صدارت، همچنان به سیاق سنتی خود روش استبدادی را در پیش گرفت و به مخالفت با مشروطه‌طلبان و آزار ملیون پرداخت. او در زمان سلطنت محمدعلی شاه از پادشاهان مستبد قاجار که بعد از مرگ مظفردین شاه به سلطنت رسیده بود، برای سرکوبی قیام مردم آزادیخواهان، به تبریز فرستاده شد. عین‌الدوله در تبریز تلاش زیادی جهت سرکوب مردم و مشروطه‌طلبان نمود؛ اما در نهایت نتوانست در این زمینه موفق شود. بعد از فتح تهران، برخی از مخالفان مشروطه، از ترس جان خود دست به اقداماتی چون وادار کردن محمدعلی شاه به حمایت از مشروطه زدند تا شاید از این طریق بتوانند جان سالم به در برند؛ اما عین‌الدوله با تسلیم کردن خود به برخی از مشروطه‌طلبان مانند سردار اسعد بختیاری و محمدولی خان تنکابنی، به آنها اجازه مجازات خود را داد. اما بختیاری و تنکابنی از او گذشتند و با ملاطفت او را رها کردند. عین‌الدوله چند سالی بیکار

بود تا اینکه در سال ۱۳۳۱ هـ ق در کابینه میرزا محمد علیخان علاءالسلطنه وزیر کشور شد و سپس در سال ۱۳۳۳ هـ ق نخست‌وزیر شد و بعد از ۳ ماه و اندی دولت او سقوط کرد و دوباره بعد از مدتی نخست وزیر شد و از این تاریخ به بعد دیگر روی کار نیامد تا اینکه در تاریخ ۱۳۰۶ خورشیدی در سن متجاوز از هشتاد سال درگذشت.

سخن نهایی

بررسی شخصیت سیاسی عبدالمجید عین‌الدوله، نشان داد که وی به عنوان شخصیتی ساسی و طرفدار قاجار، نماینده‌ای از حکومت استبدادی قاجار است که در تقابل سیاسی با مشروطه‌طلبان، تمام تلاش خود را جهت حفظ حکومت قاجار به همان شکل سیاسی سابق خود نمود. تلاش‌های عین‌الدوله را می‌توان شکلی از بازی قدرت در دوره قاجار دانست که در نهایت با پیروزی انقلاب مشروطه، پایان حامیان استبداد را به دنبال داشت.

فهرست منابع

۱. سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۱۱۴
۲. صادق زیباکلام، سنت و مدرنیته، تهران، نشر روزنه، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص ۳۳۸
۳. مؤسسه دائره‌المعارف الفقه سیاسی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱، ص ۲۲۱۵
۴. مدنی، همان، ص ۱۱۶
۵. دانشنامه جهان اسلام، همان، ص ۲۲۱۵
۶. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ج ۲، ۱۳۵۷، ص ۹۹

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/48309/ایران-استبدادی-سیاست-طرفدار-الدوله-عین/۹۴۸۳۰۹>